

نگاهی گذرا بر کتاب

## تاریخ یمینی

نویسنده: عبدالجبار عتبی

مترجم: ابو الشرف ناصح بن ظفر جرفادقانی (قرن ششم هجری)

یحیی حسینی (دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ)

**عنوان کتاب: ترجمه تاریخ یمینی**

**اثر: ابو الشرف ناصح بن ظفر جرفادقانی**

**به اهتمام: دکتر جعفر شعار<sup>1</sup>**

**چاپ: چاپخانه دانشگاه تهران**

**ناشر: بنگاه ترجمه و نشر کتاب (1345 ش - 1966 م)**

### شرح حال عبدالجبار عتبی

ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی (م 427 هـ . ق) اهل ری که مدت طولانی در دستگاه ابوعلی سیمجور و ناصرالدین سبکتگین به سر برده و چندی هم سمت نیابت شمع المعالی قابوس را در خراسان داشته و مدتی در نیشابور نزد امیر نصر بن ناصرالدین سبکتگین سپهسالار خراسان به سر می برده است. کتاب مشهور او تاریخ یمینی است که در شرح سلطنت سبکتگین و سلطان محمود تا سال 412 نوشته شده و به نام یمین الدوله محمود به تاریخ یمینی موسوم گردیده است. عتبی بسیاری از حوادث اواخر عهد سامانی را به مناسبت، در کتاب خود آورده و آن اطلاعات نیز بسیار سودمند و مفید است.<sup>2</sup>

وی از دانشمندان خراسان و معاصر دقیقی، فردوسی، عنصری و فرخی بوده است. عتبی تاریخ یمینی را به زبان تازی به خواهش امیر جلال الدوله ابواحمد، محمد، ولیعهد سلطان محمود غزنوی نوشت.<sup>3</sup>

### شرح حال جرفادقانی

مترجم تاریخ یمینی، ابوالشرف ناصح بن ظفر بن سعد منشی جرفادقانی (گلپایگانی) است که معاصر سلطان طغرل، آخرین ملوک سلجوقی عراق بود؛ بعد از کشته شدن طغرل در سنه 590 هـ . ق و اختلال اوضاع عراق به سبب طغیان ممالیک سلجوقیه و آمدن چند باره‌ی سلطان تکش خوارزمشاه به عراق و گرفتن و غارت همدان و بازگشتن وی در اواخر قرن ششم در حدود 592 هـ . ق که جمال الدین الغ باریک آیه دست اندرکار سلطنت عراق بود و با اتابک ازبک همدست و در نواحی عراق شوکتی به هم رسانیده، جرفادقانی در خدمت وزیر او ابوالقاسم علی بن حسن بود که به امر او تاریخ عتبی معروف به یمینی<sup>4</sup> را از عربی به پارسی ترجمه کرد.<sup>5</sup> وی از دبیران بنام دوره‌ی سلجوقی بوده و در نظم و نثر دو زبان عربی و فارسی ماهر و استاد بوده است.

مولف در دیباچه‌ی ترجمه‌ی یمینی از دو مجموعه از اشعار خود بنامهای روضه الحزن و شعله القابس یاد می‌کند و از تالیفات خود به کتاب تحفه الافاق فی محاسن اهل العراق که ظاهراً تذکره شعرا و کتاب تراجم احوال جمعی از بزرگان عراق است، اشاره دارد.

مذهب جرفادقاني مانند اكثر دانشمندان و مردم هم عصر خود مذهب تسنن داشته و در آن سخت متعصب بوده و با روافض و علويان مخالفت داشته است.

### ابواب كتاب

كتاب شامل پنج بخش مي باشد:

بخش اول: توضيحات و فهرست كتاب و مقدمه مصحح

بخش دوم: ديباچه ي مولف

بخش سوم: متن كتاب از ذكر امير ناصرالدين سيكتگين و مبدأ كار او تا ذكر امير

نصر بن ناصرالدين سيكتگين تا صفحه ي 418 كتاب

بخش چهارم: سه ملحقه با عناوين 1- خاتمه ي يميني (حوادث ايام) 2- ترجمه

آخر يميني و 3- ترجمه مرثيه عتبي درباره ي نصر بن ناصر الدين از صفحه هاي

419 تا 495 كتاب را به خود اختصاص داده است.

بخش پنجم: قسمت آخر كتاب شامل توضيحاتي پيرامون تعليقات، سيك

نگارش و لغات كتاب با معاني آنها و فهرست اسامي اشخاص اماكن و اشعار.

### 1- مقدمه مصحح

مقدمه دكتور جعفر شعار حاوي مطالب تحقيقي بسيار خوبي در مورد كتاب و موضوعات پيرامون آن مي باشد كه ابعاد مختلف كتاب از نويسنده تا نسخ مختلف و شيوه و روش كتاب و ... را مورد بحث قرار داده است.

### 2- ديباچه ي مولف<sup>6</sup>

ديباچه ي اين كتاب يكي از زيباترين ديباچه هاي زبان فارسي است كه جرفادقاني آن را با سلاست و جزالت به خامه تواناي منشيانه خويش با نثري مصنوع و فني نگاشته است.

شيوه او در خطبه كتاب همچون ساير ديباچه نگاران، پس از حمد و ثنای پروردگار متعال با نام همايون پیامبر اکرم و ذکر محامد و بزرگواری او نامه خود را می آراید و آنگاه صد هزار رحمت و تحیت و سلام به «عترت طاهر و اهل بیت و اشباع و اتباع و اصحاب» او می فرستد و سپس به مدح «الغ بار بیک آیه» و ملک متوفی «اتابك ایلدگز» و بویژه به «سید الوزا» ابوالقاسم علی بن محمد که مشوق وی در ترجمه کتاب بوده است، می پردازد و سرانجام از چگونگی تصنیف و ترجمه آن و موضوع و فایده اش سخن می گوید؛ او در شیوه نگارش اثر خود می نویسد:

«نخواستهم كه به تكلف و تنوق، مقاصد و معاني كتاب در حجاب اشتباه بماند... واگر كسي مكتوبات اين ضعيف در نظم و نثر تازي مطالعه كرده باشد... معلوم شود كه اگر چه كودن پارسيم حرون است، مركت تازيم خوشرو است و گرچه كسوت مهلهل عجمه ام خقل است، حله مفوف عربيتم، نيك نو است.»<sup>7</sup>

خطبه اين كتاب نيز مانند ساير ديباچه هاي آثار مصنوع و فني از اين دست اشاراتي به آيات و احاديث دارد و آن را با آوردن آيات نثر فارسي و عربي مزین کرده و به صنایع ادبی لفظی و معنوی و سایر آرایه های ادبی آراسته است.

### 3- متن كتاب

كتاب حاضر شرح وقایع تاریخی از اواخر سامانیان تا زمان سلطان محمود غزنوی است و البته درباره ي امراي سيستان، آل زیار، سیمجوریان، آل فریغون، غوریان، دیلمیان، خوارزمشاهیان و افغانیان نیز شرحی آورده و از این رو كتاب حاضر يکي از مآخذ مهم و شایان توجه به شمار مي آید.

جنبه ي ادبي كتاب نيز بس مهم است و حاوي داستانها، پندها، عبارات بدیع، اشعار زیبا و دلپذیر است. علاوه بر آن درباره ي مسائل گوناگون مذهبي و اجتماعي نيز

اشاراتی در کتاب هست که از طرز تفکر مردم در قرن چهارم و پنجم هجری و آداب و رسوم اجتماع آن روزگار حکایت می‌کند.

ترجمه کتاب حاضر در آغاز قرن ششم انجام گرفته و مولف مانند بسیاری از گویندگان نویسندگان معاصر سلطان محمود غزنوی در مدح این پادشاه راه اغراق و غلو می‌پیماید از این رو کتاب وی زیرمجموعه کتب درباری قرار می‌گیرد، اما وی از بیان حقائق خودداری نکرده و رشته‌ی سخن را تماماً به دست ستایش و مداهنه نداده است.

#### 4- ملحقات کتاب

الف) «خاتمه یمینی» یا حوادث ایام به قلم خود جرفادقانی: حوادث مربوط به زمان نویسنده - اواخر قرن ششم - را بیان می‌کند. در این خاتمه به ساده نویسی و نشر مرسل گراییده و از این حیث با ترجمه تاریخ یمینی فرق بسیاری دارد.

ب) «آخر یمینی» با قلم عتبی و محتوی آن بدگویی از شخصی بنام ابوالحسن بغوی که از امرا بوده است. و ابواسماعیل سعد بن ابی المفاخر آن را ترجمه کرده است.

ج) «ترجمه مرثیه امیر نصر بن ناصر الدین سبکتگین» که در جوانی درگذشته است و این قسمت را شخصی بنام حبیب الله جرفادقانی ترجمه نموده است.

#### سبک نگارش کتاب

ترجمه تاریخ یمینی یکی از آثار گرانسنگ و از کتب فصیح و پرمایه زبان فارسی است که به سبک عصر خود تحریر یافته است. و به قول استاد بهار از حیث فصاحت و استحکام با اصل تازی برابری می‌کند.

«سبک تاریخ یمینی دنباله‌ی کلیله و دمنه و شیوه‌ی ابوالمعالی نصرالله رحمه الله علیه می‌باشد جز اینکه سجع هم گاه به گاه به کار رفته است، ولی نه مانند مقامات حمیدی که قید وفور اسجاع موجب خراش اسماع گردد بلکه در موازنه و مترادفات هم تند نرفته و عبارت را از این ممر نیز خراب نکرده است، و من بعد از نثر ابوالمعالی و کلیله، از نثر جرفادقانی استوارتر و دلپذیرتر نیافته‌ام، نه از وطواط و بهاء الدین چنین سخن شنیده و نه از قاضی حمید و نورالدین منشی چنین عبارت بدیع و بلند دیده‌ام و آنجا که دست و قلم را آزاد ساخته و قصدش پرداختن معنی صرف است در کمال فصاحت و سلاست از عهده‌ی ادای مقصود برآمده و در آنجا که قلم را نگاه داشته است نیز به خوبی حق صنعت را ادا کرده است»<sup>8</sup>

ولی نظرات دیگر و متفاوتی نیز وجود دارد مانند نظر مولف هزار سال نثر پارسی که عقیده دارد:

«ترجمه جرفادقانی پر از لغات تازی است و به کاربردن واژه‌های عربی را به حد

خنک و بیمزگی می‌رساند. مع هذا از لحاظ تاریخی پر ارج است و بعضی از

صفحات گرا در آن دیده می‌شود.»<sup>9</sup>

از تحقیقات اخیر نیز می‌توان به تحقیق فرزاد نبی‌نیا اشاره کرد که در رساله پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان "تحریری دیگر از تاریخ یمینی" بر مطلب فوق صحنه می‌گذارد:

«تاریخ یمینی نوشته ابو نصر عتبی م. 427 هـ. ق به زبان عربی و با ترجمه

فارسی ناصح بن ظفر جرفادقانی در آغاز قرن هفتم هجری (603) به دستور

ابوالقاسم علی بن الحسین بن محمد بن ابی حنیفه و زیر جمال الدین آی ایه

الع باریک از اتابکان آذربایجان، بیانگر گوشه‌هایی از تاریخ سامانیان، آل بویه، آل

زیار، فریغونیان و پادشاهان غرشستان و خانیان است، همچنین این کتاب که

مؤلف آن را به مناسبت لقب محمود غزنوی (یمین الدوله) یمینی نامیده، شرح

امارت یافتن سبکتگین و محمود غزنوی و دلاوریهای وی در ایران زمین و

هندوستان است. به طور کلی این کتاب بخشی از تاریخ پرفراز و نشیب ایران

را به خواننده می‌نمایاند و هر چند که مؤلف در بیان ویژگیهای پادشاهان و

بخصوص محمود غزنوی راه اغراق پیموده است، اما از خلال وقایع حقایق را

بازیافت حقایقی که در کمتر اثری آمده است، بخصوص چگونگی انقراض

سامانیان که بتفصیل بیان شده و شرح حمله‌های محمود غزنوی به هند و دیگر مناطق که يك به يك شرح شده است. از این رو کتاب حاضر می‌تواند ماخذی مهم و قابل توجه به شمار آید، اما نثر کاملاً فنی و متکلف آن باعث گردیده که خواننده با زحمت و رجوع به کتب لغت منظور مترجم را دریابد به مین سبب پس از خواندن چند صفحه او را خستگی افزاید و کتاب را به يك سهو نهد و مطالب سودمند آن به دست فراموشی سپرده شود.<sup>10</sup>

آفای شعار – مصحح کتاب ترجمه تاریخ یمینی - نظر نسبتاً معتدل‌تری دارند چه اینکه بعد از تأیید اجمالی نظر ملك الشعرا آورده است:

«باید اذعان کرد که نثر این کتاب در بعضی موارد تا حدی مصنوع و متکلف و مغلق و دارای لغات و اصطلاحات فراوان و احياناً غیر مأنوس است ... و بی شباهت به نثر تاریخ و صاف و جهانگشای جوینی نیست. امام همه‌ی کتاب متکلف و مغلق نیست.»<sup>11</sup>

دکتر ذبیح الله صفا، صاحب کتاب تاریخ ادبیات ایران نظر خود را چنین ابراز می‌کند: «جرفادقانی انشایی بینابین در ترجمه کتاب برگزیده، هر جا که مطلب حاجت به آوردن عباراتی دور از تکلف داشت حد سخن را رعایت می‌کرد و آنجا که میدان را برای جولان طبع آماده می‌یافت، بر مرکب صنعت می‌نشست و چون در ادب دست‌ی قوی و ذوقی سلیم داشت از عهده این هر دو شیوه به نیکویی برآمد، چنان که می‌توان گفت کتاب او از نمونه‌ها و سرمشق‌های بارز نثر مصنوع است.»<sup>12</sup>

از خصوصیات دیگر کتاب سادگی، کوتاهی و روانی جملات آن است که در این مورد به صنایع ادبی کمتر توجه کرده است مانند:

«و همه را آواره کرد و اصفهید ابوالفضل را بگرفت و محبوس کرد و در حبس او بود تا وفات یافت و بابی با نصر دوست شد و هر دو دل بر استخلاص آمل نهادند و ابوالعباس حاجب به آمل بود با دوهزار سوار از لشکری و چون به آمل رسیدند ابوالعباس از مقاومت ایشان عاجز ماند و هزیمت شد و ایشان آمل با تصرف گرفتند.» (ص 28 کتاب)

و نیز داستان پنهانده شدن فخر الدوله به قابوس و واقعه‌ی فتح بست (صفحات 22-26)

مولف در کتاب خود به تقلید از کلیله و دمنه به اشعار، آیات و احادیث استدلال کرده است و امتیازی که دارد مخصوصاً در اشعار عربی اطلاعاتی راجع به شاعر و سراینده‌ی شعر به خواننده می‌دهد ولی متأسفانه این روند در مورد اشعار فارسی جز در دو مورد بکار نرفته است.

ناگفته نماند که «از آغاز تشکیل دولت‌های ایرانی تا اوایل قرن پنجم ه. ق دیوان دربار سلاطین ایران به زبان عربی بود و مکاتیب رسمی و دیوانی بدین زبان انشا می‌شد و حتی در مکاتبات بین پادشاهان و زعمای لشکر و وزیران نیز زبان عربی به کار می‌رفت، چنان که نمونه‌ای از آن را در تاریخ عتبی و ترجمه آن می‌توانیم دید...

این روش همچنان تا دوره ابوالعباس فضل بن عباس اسفراینی، نخستین صاحب دیوان بزرگ دربار محمودی ادامه داشت. در دوره او به تصریح عتبی، به امر او دیوان از عربی به فارسی برگردانده شد.»<sup>13</sup> در عهد خواجه احمد بن میمنده بار دیگر، دیوان از پارسی به عربی بازگشت؛ در ترجمه تاریخ یمینی آمده:

«وزیر، ابوالعباس در صناعت دبیری بضاعتی نداشت و به ممارست قلم و مدارات ادب، ارتیاض نیافته بود و در عهد او مکتوبات دیوانی را به پارسی نقل می‌کردند و بازار فضل کساد شده بود. و چون مسند وزارت به فضل و فضایل شیخ جلیل [خواجه احمد حسن میمنده] آراسته شد، کوکب کتاب از مهاوی هبوط به اوج شرف رسید.»<sup>14</sup>

البته نویسندگان این دوره حتی در موضوعات تاریخی نیز جودت و جزالت وانسجام و روانی کلام را در مراعات هرچه بیشتر تکلفات لفظی می‌پنداشته‌اند و چون در زبان

پارسی از جهت محدود بودن دایره لغات به گفته این نویسنده، مجال زیادت تانفی نبوده است، انتخاب و استعمال هرگونه لغات عربی را جایز می‌شمرده ... و کثرت استعمال آن را از شرایط کمال «نثر و هنر نویسندگی می‌دانسته‌اند.»<sup>15</sup>

### صنایع بکار گرفته شده در کتاب

با تسلطی که جرفادقانی بر صنایع ادبی داشته است در جای جای کتاب خود از این فنون استفاده نموده است:

#### 1- صنعت توصیف

بعنوان مثال در شرح یکی از نبردهای امیر اسماعیل چنین می‌نویسد:

«جمله نیزه‌ها بیانداختند و تیغها بیرون کشیدند و چندان کشتن رفت که شمشیرهای آهنین دل بر زاری کار جوانان کارزار خون گریست و عقرب را بر آسمان دل بسوخت و عواء نواء عواء برگرفت و آسمان جامه‌ی کبود تعزیت در سر کشید و سماک رامح نیزه بینداخت و شعری را گریه آمد و ماه از حرقت رخساره بخراشید و فلک از حسرت پشت دو تا کرد و کواکب بر بساط مجره گاه بگستراند و صبح جامه چاک کرد.» (ص 164)

#### 2- تشبیه و تمثیل

در غالب موارد تشبیه و تمثیل شباهت فراوانی به کلیله و دمنه دارد. تشبیه مانند:

«نفرین بر دنیای فانی و روزگار غدار باد که چون سوسمار بچه خوار و چون رویاه محتال و چون گرگ مغتال و چون سایه منتقل و چون سراب بیحاصل است» (ص 147)

تمثیل مانند:

«و بلا مقناطیس به خود کشیدن و زهر بگمان چشیدن کار عاقلان نیست» (ص 45)

«و ندانست که بر دیواری که به دست خویش اساس آن واهی کرده باشد تکیه نباید کرد و از ماری که زخم خورده‌ی نکایت او باشد احتراز باید نمود.» (ص 129)

#### 3- کنایه و استعاره:

«ملك (نوح بن منصور سامانی) فرمود تا همگان را بگرفتند و در قید اسار کشیدند و دست سلب و غارت به چشم و خدم او دراز کردند و ساز و سلاح و مواشی همه بستند و صحیفه عمر ابو علی (سمیجور) بر آن صورت ختم شد و شاهین نخوت او که در هوای کبریا پرواز می‌کرد در دام مهانت و مذلت افتاد.»

#### 4- سجع

گاهی از عبارات مسجع هم به زیبایی استفاده کرده است. مانند:

«امیر ناصرالدین سبکتگین غلامی بود ترکی نژاد مخصوص به فیض الهی، آراسته به آیین سلطنت پادشاهی، روز کوشش چون شیر همه عنف، گاه بخشش چون ابر همه کرم و لطف، هنگام داد چون باد جهنده بر قوی و ضعیف و چون آفتاب تابنده بر وضع و شریف، به همت چون دریا که در دهش از کاهش نیندیشد.»

#### 5- موازنه و قرینه سازی

صفحه‌ای خالی از این صنعت در کتاب نمی‌یابیم مانند:

«چون کار او در علو شأن و نفاذ فرمان و کمال اقبال و حصول آمال به غایت رسید.» (ص 58)

«امیر اسیر گشت و اسیر امیر شد و ذالك علي الله يسير» (ص 130)

نویسنده از صنایع دیگری چون مترادفات، اطناب و اسهاب، مراعات نظیر و تجنیس هم استفاده نموده که به منظور رعایت اختصار از آوردن نمونه‌های آن خودداری می‌کنیم.

- 1 - جعفر شعار در سال ۱۳۰۴ شمسی در تبریز متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تبریز به پایان رسانید و در این مدت زبان و ادبیات عربی و تفسیر قرآن را در محضر پدر خود آموخت. سپس در دانشکده ادبیات آنجا مشغول تحصیل شد و به دریافت درجه لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی و نیز رشته زبان فرانسوی نائل آمد. آنگاه در سال ۱۳۳۵ به تهران آمد و در دوره دکترای ادبیات فارسی به تحصیل پرداخت و به اخذ درجه دکتری از دانشگاه تهران نایل گردید. دکتر شعار به زبانهای عربی و فرانسوی و انگلیسی و ترکی عثمانی آشنایی دارد. کتابها و مقالات متعددی از وی انتشار یافته که فهرست بعضی از آنها به قرار زیر است: ترجمه تاریخ یمنی قصه حمزه نامه در دو جلد سیاستنامه خواجه نظام الملک جوامع الحکایات ترجمه صوره الارض از ابن حوقل تاریخ پیامبران و شاهان گفتارهای دستوری
- 2 - صفا، دکتر ذبیح الله؛ تاریخ ادبیات در ایران، انتشارات ابن سینا، چاپ ششم، تهران 1352، ج 1، ص 641
- 3 - کشاورز، کریم؛ هزار سال نثر پارسی؛ انتشارات سازمان کتابهای جیبی، تهران 1345، ج 3، ص 764
- 4 - از آنجا که لقب سلطان محمود "یمین الدوله" بوده؛ عتبی کتاب خود را منسوب به ایشان "تاریخ یمنی" نام نهاده است.
- 5 - ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفادقانی؛ ترجمه تاریخ یمنی؛ تصحیح دکتر جعفر شعار، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، تهران؛ 1374؛ در مقدمه کتاب صص 19-20 آمده است: غیر از ترجمه جرفادقانی، هفت ترجمه و شرح دیگر از این کتاب صورت گرفته است.
- 6 - رک: دیباچه آراسته؛ دکتر عطا محمد رادمنش، کیهان فرهنگی مرداد 82 - شماره 202
- 7 - ترجمه تاریخ یمنی ص 10
- 8 - بهار، محمد تقی (ملک الشعرا)؛ سبک شناسی؛ انتشارات امیر کبیر، تهران 1369، ج 2، ص 386
- 9 - هزار سال نثر پارسی، ج 3، ص 764
- 10 - نبی‌نیا، فرزاد؛ به راهنمایی: جعفر حمیدی 350 صفحه، کتابنامه TH پایان نامه (کارشناسی ارشد) -- دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، 1379
- 11 - رک: مقدمه دکتر جعفر شعار
- 12 - تاریخ ادبیات در ایران، ج 2، ص 1012.
- 13 - فن نثر در ادب پارسی، صص 213-214.
- 14 - ترجمه تاریخ یمنی، صص 345-346.
- 15 - فن نثر در ادب پارسی، صص 159-160.